

مستضعفین چه کسانی هستند؟

تحلیل درونی یا روانی مسئله به ما میگوید، که جوهر اصلی این پدیده اجتماعی در کجا حرکت و سیر میکند و تحلیل تاریخی از نمودها و عوارض و قانونهای تاریخی آن بحث میکند. استضعاف از نظر لغوی، از (ضعف) گرفته شده، که به معنای «مفاوت بکار میروند، مثل، تحلیل رفتن، ضعیف شدن، دوبرابر شدن، ولی خود لغت (ضعف) به باب استفعال رفته، از نظر علم «صرف» این باب برای «طلب» «عقیده» و از «قاعد» و حالت طبیعی خارج شدن می آید» و مستضعف، اسم مفعول از همین باب است. که بحث ما حول این محور بیشتر میباشد اما نتیجه ای که از استدلال فوق گرفته میشود این است که:

*** حضرت علی:** بر کسی که پیام آگاهی و حجت را دریافت کرده و حرکت میکند اسم مستضعف گذاشته نمی شود.

یک نیروی (فاعلی) این جریان اجتماعی را در جهت استضعاف سوق میدهد، که از خود بیگانگی و از حالت طبیعی (حالت طبیعی انسان، بهترین مشخصه اش استواری بر فطرت، میباشد) خارج شدن را به همراه دارد، و آنچه که برای ما اهمیت درجه اول را دارد در این بحث شناسایی این نیروی «فاعلی» میباشد و در این طریق بررسی آیات و روایات این توان را به میدهد که مسائل را بشکافیم و هسته اصلی جوهر هریشی را بدر آوریم. این شناسایی موا تشکیل دهنده جوهر هر «پدیده» اگر صحیح آنجا گیرد، بررسی و تحلیل مسائل عارضی کار، بسیار سهل و آسان خواهد بود. و در این بحث اگر هسته اصلی و جوهر این پدیده اجتماع (استضعاف) خوب شکافته و پرداخته شود پس یافتن به تحلیل اجتماعی و سیاسی و اقتصاد مقوله استضعاف کاری ساده خواهد بود.

قرآن از دو دید به مستضعفین نگاه میکند آنها را دو دسته می کند که هر کدام مشخصه جداگانه و مربوط به خود دارند. از نظر دید اول به استضعاف کشیده شده گان (مستضعفین نیروهایی اجتماعی هستند که بخاطر «ایستادن بودن تحولات «درونی» شان هیچ جهت حرکت مشخصی ندارند.

با بحثی که در پیش داریم، در حاشیه کلامان این را اضافه میکنیم که در جوامعی که دگرگونی و انقلاب رخ میدهد، انهم انقلاب با اصول و ضابطه های مشخص، خود بخود فرهنگی جدائی از فرهنگ آن جامعه در دوران رکود و سستی بر مردم حاکمیت روانی و سیاسی پیدای کند، (فرهنگ به معنای اعم کلمه) و جهت حرکت اینگونه جوامع و (نمونه بارزان جامعه کنونی ایران) جهتی است هدفدار بر مبنای مکتب. جهتی برای پی ریزی جامعه ای نوین با ساختاری آیدنولوژیک، در جوامعی با این شرایط، روشن شدن و بررسی مفاهیم مکتبی، از ضروریات است و ارتباطی تنگاتنگ با حیات انقلابی و فرهنگی آن جامعه دارد، روشن نبودن مفاهیم اصلی مکتبی چه بسا که مایه انحراف عمیق در شکل و ساختمان سیاسی اجتماعی آن جامعه گردد و این از مسائلی است که درست تاریخی شیعه و تاریخ سیاسی اسلام نمونه هایش بسیار دیده میشود، (مسئله شورای «سقیفه بنی ساعده» یکی از این مسائلی است که در این مقاله، طرح یکی از مفاهیم بلند و عمیق مکتب و بررسی آن به این شیوه

قرآن از دو دید به مستضعفین نگاه میکند. از دید اول مستضعفین کسانی هستند که بخاطر «ایستادن بودن تحولات درونی شان هیچ جهت حرکتی مشخصی ندارند و گروه درم کسانی هستند که محیط و شرایط را درنگ میکنند اما به علت فشار نیروهای باطل توان عمل ندارند.

میشود و آن مسئله استضعاف است و بحث استضعاف یکی از بحثهایی است که نه تنها به خاطر آنکه در فرهنگ اسلام جایگاه ویژه ای را بخود اختصاص داده قابل بحث است، بلکه نظر به اینکه امروزه در فرهنگ انقلاب ما یکی از تمیزترین مفاهیم است که قرارگاه وسیعی در ذهن مردم پیدا کرده و به انواع مختلف از آن برداشت و بحث میشود، ضرورت شکافتن و تحلیلش بیشتر شده است.

استضعاف بخاطر با فرهنگی وسیعی که دارد، باید از دو جهت شکافته و بررسی شود.

- ۱- جهت درونی (یا تحلیل روانی مسئله)
- ۲- بررسی ساختار برونی، یا تحلیل اجتماعی و تاریخی.

بنام خداوند بخشنده مهربان
مقدمه:

قبل از ورود به بحث اصلی بیان یک نکته ضروری است و آن اینکه: تفکر و نگرش، در تحلیلهائی راه بسوی صحت و هدایت دارد که در بررسی مسائل باول به جوهر اشیاء بنگرد، بعد مظاهر عارضی بریک پدیده را (چه طبیعی - چه اجتماعی) مورد تقو و تحلیل قرار دهد، این نحو برخورد با پدیده های هستی، اصیل ترین، و عمیق ترین شکل بررسی مسائل است، تحقیقا سنگ زیر بنا و بزرگترین معیار سنجش ارزش و ارزیابی پدیده ها در نظام تفکر اسلامی (چه اجتماعی و چه فلسفی) جوهرنگری و درون بینی میباشد. نقطه نخستین جوشش این تفکر از قرآن آغاز میشود، آنجا که «خدا» از انسان و سرشتش سخن به میان می آورد که:

فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم (البقره ۳۰)

قرآن جوهر و هسته اصلی هر پدیده را رنگ می داند، هر آنچه که با این «جوهر» در کنار آید از اصالت برخوردار است، و آنچه که با

«درون» و «ذات» سازگار باشد، فرضی و اعتباری بوده و از قانون اصالت خارج، بعد از آن این تفکر در حدیث آمد که: کل مولود یولد علی الفطرة، و بر این مبنای درون نگری مبنای خدائشناسی توحیدی قرار گرفت، که: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و از این مسیر بود که این طرز تفکر راه بسوی عرفان و هستی شناسی فلسفی گشود و به عنوان یک اصل قانونمند برای بررسی تمامی پدیده های نظام وجود بکار گرفته شد، اما ضرورت طرح این مسئله برای چه بود؟ در جواب باید گفت تحلیل پدیده هایی چه بصورت «مفاهیم» و چه بصورت «مصداق» باید مسلح به یک روش، با قانون مندی و عمومیت و مشمولیت باشد، در همین رابطه و ارتباط

امام سنانی (ع) را در این خصوص میفرمایند:
 او (سستضعف) کسی است که توانایی
 تصرف بر نیروی اشیا را ندارد تا سر بر خورد با
 کثر به آن بگردد و بخاطر این اشیا (گاهی) قدرت
 هاست. در هر صورت این را از دست داده و
 (بشورندگی) توانایی را از دست داده و کفر را
 ندارد و آنها که در این دنیا و آخرت در غفلت
 مانند نقل کرده اند که در این دنیا از آنها برگزیده
 شده است. (ع)
 که میسازد این دنیا را به هر سو که بخواهد
 تا روشن مسازد.

*** از لحاظ فرائض چه محروم از مال و
 ثروتی جز آن در دنیا سستضعفین نیست
 که خداوند به هر چه از این زمین را وعده داده
 است.**

۱. این دسته از سستضعفین ثروتمانی هستند
 که شعله فروزان «آگاهی» که جوهر و مایه،
 «تحرك» انسان است در «درون» آنها خاموش و یا
 به زیر خاکستر جهل فرورفته.
 ۲. و بخاطر همین «ضعف»، قدرت و توانایی
 گرایش را از دست داده اند.

خساک بودن چشمه آگاهی در انسان، قدرت
 کشف قه این حیات انسانی و مبارزه بخاطر
 حریت و استقلال را در انسان سلب میکند، عدم
 آگاهی فرد از جهت حرکت تاریخ و
 «قانونمندیهای اجتماع» و ندانستن موقعیت
 تاریخی و اجتماعی اش، از آن شخص عنصری
 میسازد که به این ترتیب سستضعف گران و مایه
 حیات استثمارگران تبدیل گردد.
 امام جعفر صادق (ع) در این زمینه (آگاهی و
 معرفت) میفرماید:

من عرف اخاه من الناس فليس بسستضعف،
 کسی که قدرت شناختن پایه های اصلی اختلاف
 در میان مردم را داشته باشد پس او سستضعف
 نیست.
 تا مثل سستضعف آدمی را میگویند که:
 اولاً - آگاهی و شناختن معرفت، سرچشمه
 حرکت و تحرك انسان و چهار سیال وجود
 اوست.

درمان شناختن آگاهی نسبت به قوانین
 جامعه و تاریخ که از آن مسیر به اختلاف الناس
 شده است و شناسایی مروج غائی که باید این
 قوانین از نظر شرایط «زمان و مکانی» بکار برده
 شوند. هر دو امر این «سستضعف» برای انسان
 «آگاه» مسئول و شایسته است.

و خلاصه کلام اینچنین است که این گروه
 (سستضعفین) به تعبیر اولیای جریانی است
 اجتماعی که به خاطر ندانستن در توانایی فوق،
 پدیده در صفحه ۲۳



سرگشته و ادی اختلافها و از نظر شرایط درونی مساعد برای استثمار و بهره دهی. در این شرایط این گروه از مستضعفین با مشخصات گذشته مستحیل دستگاه ظلمه و استکبار میشوند و بخاطر این تخالف اجتماعی مجازات میشوند. و در نتیجه از لحاظ موقعیت اجتماعی در مرتبه فقر و محرومیت قرار میگیرند.

اما گروه دوم از مستضعفین کسانی هستند که محیط و شرایط را درک میکنند و آگاهی به مسائل جامعه دارند اما به علت اینکه فشار نیروی باطل و ستم، مثل حلقه ای فولادین اطراف آنها را گرفته است نمی توانند عملی در آن مقطع انجام دهند چنانکه در قرآن به این مطلب اشاره شده است که هارون (ع) برادر موسی (ع) در جواب برادرش موقمی که از ماموریت ۴۰ روزه اش برمیگردد و می بیند که قوم بنی اسرائیل گوساله پرست شده اند و می فرماید که ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی که همانا قوم مرا به استضعاف کشانیدند و حتی نزدیک بود که مرا بکشند و یا حضرت علی (ع) در حکمت ۲۸۹ موقمی که از ابوذر صحبت می فرماید و او را تمجید می کند و خصوصیات او را می فرماید در قسمتی از کلام خود می فرماید کان ضعیفا مستضعفا که او (ابوذر) ضعیف و مستضعف بود که با این تعبیر نشان میدهد که با اینکه ابوذر آگاه، به زمان خودش بود اما فشار دستگاه آنقدر براو زیاد و او را در تنگنا قرار داده بود که ابوذر بصورت مستضعف شده بود.

و بیان این نکته ضروری است که از لحاظ قرآنی هر مستضعفی جبراً فقیر و محروم نیست و حتماً از لحاظ اقتصادی در مضیقه نیست (چنانکه اشاره به حضرت هارون (ع) شد) و بالعکس هم هر محروم از مال و ثروتی جبراً در ردیف مستضعفینی نیست که خداوند به آنها وراثت زمین را وعده داده است بلکه چنانچه از آیات متعدده برمیآید این است که در هیچ جای از قرآن، مستضعف به معنای محروم اقتصادی نیست بلکه فقر و بدبختی تالی و دنباله این استضعاف است که شرح داده شد.

اما این دو دیدگاه را قرآن کریم در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره نساء کاملاً تبیین می نماید آنجا که می فرماید:

«ان الذین توفیهم المثلثة ظالمی انفسهم، قالوا فیم کتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها فاولئک ما یریهم جهنم و ساءت مصیرا»

(آن دسته که فرشتگان، بهنگام مرگ در می یابندشان... در جاییکه به خودشان ستم کرده اند ملائکه به آنها گفتند، در دنیا در چه حالی بودید؟

گفتند ما از مستضعفین بودیم، ملائکه

جهاد

مستضعفین چه کسانی هستند؟

گفتند: اما آیا زمین خدا، بزرگ نبود که به جاهای دیگر آن مهاجرت کنید؟ پس جایگاه آنها جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است) آیه بعد مطلب را روشنتر میکند:

«الا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان، الذین لا یستطیعون حیلۃ و لا یرتدون سییلا».

مگر آن دسته از مستضعفین از زنان و مردان و کودکان که نه راه به حق دارند و نه میتوانند حیلۃ بزنند.

با مقایسه و مقابله دو گروه برای ما مشخص میشود. که گروه اول، که بخاطر عدم آگاهی و همچنین منافع مادی در سیستم حاکم استحاله شده بودند. «ظالمان بر خویش» معرفی شده، و میسر «شدن» آنها یک ضرورت انحرافی آمده است.

اما گروه دوم باز هم با مشخصه «استضعاف» از گروه اول مجزا شده اند، بکدام علت؟ به علت دچار شدن به شرایط حاکم، نداشتن شرایط و موقعیت اقتصادی و اجتماعی برای گریز از احاطه ستم حاکم (لا یستطیعون حیلۃ و لا یرتدون سییلا) در این آیه توجه شود که جهت فکری گروه مستضعفین مشخص شده ولی در روایت مربوط به امام (ع) با پسوندهای (فیکفر) و (ایمان) صحبت از حیرانی و سرگردانی این گروه رفته است.

آنچه که مسلم است، شرایط و عوامل درونی و بیرونی با در صدهای متفاوتی در یکدیگر تأثیر می گذارند و درجه تأثیر و ادغام این نیرو در هم برای یک پدیده قانون مشخص بوجود میآورد، (با در نظر گرفتن دیگر معیارها)، قرآن کریم در این مورد نمونه جالبی دارد.

«... ولو تری اذا الظالمون عند ربهم یرجع بعضهم الی بعض القول یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا انتم لکننا مؤمنین قال الذین استکبروا للذین استضعفوا نحن صدناکم عن الهدی بعد از جاه کم بل کتم مجرمین وقال الذین

استضعفوا للذین استکبروا بل مکرا لللیل والنهار، اذا تمارونا ان نکفر بالله و نجعل له اندادا (۳۳-۳۱) سوره سبأ

کاش می دیدی ظالمین را هنگامیکه در پیشگاه خداوند (روز واپسین) ایستاده اند، و با هم گفتگو می کنند، مستضعفین به مستکبرین میگویند (اگر تهدیدها و تبلیغها و وعده های شما نبود ایمان میآوردیم، مستکبرین میگویند: آیا در آن مقطع از جامعه که هدایت شدید، ما شما را از حق باز داشتیم؟ نه بلکه خودتان مجرم بودید. مستضعفین که ایمان نیآورده بودند گفتند، بلکه مکر شب و روز شما بود که باعث شد هنگامیکه شما ما را امر میکردید که خدا را با شیوه های فاسدمان انکار کنیم و برای او شریک

و مانند او بگیریم. در این آیات نکات فراوانی نهفته است ولی نکته ای که مد نظر ماست، آنجاست که مستضعفین برای تیرنه خود مستکبرین را متهم می سازد و آنها را عامل انحراف خود می دانند، «عامل یا شرط خارجی» و مستکبران در جواب، خود آنها را متهم کرده و خود را تیرنه می کنند. (اشاره به عامل درونی).

نتیجه مسئله این است که اگر در جامعه این دو گروه در شرایط بهره دهی و بهره کنی با هم زندگی میکردند عامل درونی یعنی نا آگاهی و روح منفعت طلبی کاذب همراه با عامل خارجی که استعمار و استعباد باشد در هم تأثیر گذارده و این قانون را (که بیان آن در اول مطلب گذشت) نتیجه داده اند. البته این قانون تنها معیار برای شناخت جوامع نمی باشد که معیارهای دیگری هم نیز برای شناسایی کامل یک جامعه دخیلند. (اجوع شود به جامعه و تاریخ استاد مطهری بخش معیارها).

همچنانکه درایه فوق مشخص شده نیروها و جریانهایی در خارج بر سبب شرایط سعی درسد و محدود نمودن حیطه آگاهی افراد جامعه دارند، حتی اگر «آگاهی» افراد در مجتمع رشد کند شرایط و محیطی را فراهم میآورند که شخص مجبور به بهره دهی شود (لا یستطیعون حیلۃ و لا یرتدون سییلا)

انبیاء و رسولان توحیدی، بلحاظ شناختی که از مجرای وحی الهی بر قوانین تاریخ و جامعه و نیروهای بالقوه این جریان بزرگ اجتماعی داشته اند، همواره «کار» و «ابلاغ رسالت» را از میان آنها شروع کرده و به پشتیبانی نیروی بنیان کن، این دریای خروشان، کاخ مستکبران وضد توحیدیان را بر سرشان فروریخته اند. این نیروی بالقوه، همانند اسلحه ای است که در حالت «ضامن» باشد، با اولین ششمه ای که از چراغ رهبری بروجدان آنها میتابد، این سلاح بنیان کن

راه اندازی

جنگی، برغم مشکلات فراوان و کمبود وسائل و قطعات یدکی و هزاران مشکل دیگر تا آنجا که توانسته است به جبهه ها در ارسال وسایل و ماشین آلات و نیروهای متخصص رسیدگی کرده است و در این مورد فعالیت چشمگیری داشته است.

باین تلاش همه جانبه، دفتر مرکزی جهاد سازندگی علاوه بر ارسال خواروبار و پوشاک و وسائل زندگی به پشت جبهه ها، از تاریخ ۴ مهرماه سال ۵۸ یعنی از همان آغاز جنگ تا سالگرد جنگ صدها نیروی متخصص به جبهه ها اعزام کرده است. از جمله راننده پایه یک و دو ۵۸۳ نفر، مکانیک بنزین و دیزلی ۴۱۲ نفر، برق کار (بازساز) ۵۷ نفر، صافکار ۳۹ نفر، راننده وسایل سنگین ۲۹۸ نفر، مکانیک وسایل سنگین ۲۵۳ نفر و متخصص وسایل سردکننده ۱۹ نفر میباشد که جمعا ۱۶۶۰ نفر متخصص اعزام شده اند.

همچنین طی این مدت ستاد پشتیبانی دفتر مرکزی جهاد سازندگی تجهیزات و ماشین آلات زیادی را به جبهه ها ارسال داشته است که از آن جمله است، ماشین بلیزر ۷ دستگاه، بولدوزر ۳۰ دستگاه، بیل مکانیکی ۵ دستگاه، کامیون کمپرسی ۴۵ دستگاه، تریلر ۵۲ دستگاه، گریدر ۱۵ دستگاه، اتوبوس و مینی بوس ۴۵ دستگاه، آمبولانس ۱۲ دستگاه، جرثقیل ۲ دستگاه، انواع جیب ۷۵ دستگاه، انواع وانت ۶۵ دستگاه، تانکر آب و سوخت ۱۹ دستگاه، کمرشکن ۲ دستگاه...

عهد نامه

می نماید، پس تا آنجا که می توانی، عیوب را ببوشان، تا خداوند نیز عیوب ترا از مردم پوشیده بدارد، از مردم، گره هر کینه را بگشا و رشته هر انتقام و تک روی را از خود دور کن، و در مسائلی که بنظرت صحیح نیست خودت را بنادانی بزن، و برای تأیید سخن چینیان و بدگویان شتاب نما، زیرا سخن چین فریبکار است، اگر چه شبیه به ناصحین باشد.

اینها گوشه هائی از رهنمودهای امام علی (ع) در مورد حکومت و حکومتداری است. در بخش های بعدی به گوشه های دیگری از مطالب امام (ع) فوایم پرداخت. «ادامه دارد»

مستضعفین چه کسانی

از فزامن خارج و برای هجوم آماده میگردد. این مطلب آنچنان در مکتب ائمه واضح گردیده که محتاج به تفکر چندان در مسئله نیست.

امام علی (ع) میفرماید:
لا یقع اسم الاستضعاف علی من بلغه الحجّة...

نام مستضعف بر کسی که پیام «آگاهی» وحجت را دریافت کرده و حرکت میکند گذاشته نمیشود.

وقتی این مسئله رشد کرد و بارور شد، زمان مبارزه فرامیرسد، مبارزه با تمام مظاهر ستم بزرگی و ظلم درهرشکلی و در هر دوره ای از تاریخ.

و در این مقطع مبارزه حق و باطل آغاز میگردد.

و قرآن فلسفه و روش این مبارزه برای رهانیدن مستضعفین آگاه را چنین بیان میکند:

والمسک لاتقتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية ظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا.

(و شمارا چه شده است که در راه خدا و مستضعفین از مردان و زنان و کودکان به قتال بر نمی خیزند. کسانی که میگویند: پروردگارا خارج کن ما را از این قریه ای که

لازم محروم بودند.

برای مبارزه با این جریانات اساتید متعدد و عده ای از برادران جهاد دانشگاهی در جریان تشکیل جهاد دانشگاهی به کارخانه ها رفته و نیازهای صنایع را از نزدیک مطالعه کردند و گروه های مختلف جهاد دانشگاهی بر اساس اولویتها به ارائه طرحهای مختلف جهت تأمین این نیازها پرداختند.

همچنین جهاد دانشگاهی به کمک ستادی که در استانداری جهت راه اندازی صنایع تشکیل گردیده بود تعداد ۱۲۶ کارخانه از کار افتاده را راه اندازی و آماده کرده است. یکی دیگر از مرفقیتهای جهاد دانشگاهی در برطرف کردن نیازهای داخلی کشور تولید «زینک» میباشد که در کار چاپ مورد استعمال فراوان دارد.

جهاد دانشگاهی در رابطه با تغییر محصولات کارخانجات مشروب سازی و ایجاد کارخانه شیمیائی جهت استفاده از مشتقات الکل

ظالم است اهل آن و قرارده برای ما از جانب خودت سرپرستی و قرارده برای ما یاری رسانی.

که در این آیه به صراحت بیان میفرماید که این مستضعفین که آگاه شده اند (به علت ندانی که برای رهائی خود سرسیدهند و ظالم زمانه را معرفی میکنند و خواستار سرپرستی خدائی

میباشند). فشار شدید بیرونی و خارجی و اینکه حلقه ستم آنها را احاطه کرده است نمیتواند راه

به جانی ببرد و به همین خاطر در انتظار کس و یا کسانی هستند که آنها را از این ورطه رهائی

دهد و پیامبران و رهبران الهی با شناخت عمیق بر این خصیصه های مستضعفین است بخشند.

که به ندای آنها پاسخ مثبت میدهند و با کمک آنها کاخ ستم فرعونها را در هم میکوبند تا

بتوانند هر چه بیشتر وعده خدائی وراثت مستضعفین صالح بر زمین را تحقق بخشند چرا

که باید محقق این گفته و پیام الهی باشند که: «حاکمیت بر زمین از آن مستضعفین صالح است»

والسلام

(۱) سئل عن المستضعف، قال: هو الذی لا یهدی حبله الی الکفر فیکفر ولا یهدی الی الایمان ولا یستطیع ان یومن ولا یستطیع ان یکفر، منهم الصبیان ومن کان من الرجال والنساء

علی مثل الصبیان، مرفوع عنهم القلم

علی مثل الصبیان، مرفوع عنهم القلم

علی مثل الصبیان، مرفوع عنهم القلم

علی مثل الصبیان، مرفوع عنهم القلم

جهاد دانشگاهی، بازوی

برای اولین بار گام مهمی را برداشته و محصولات شیمیائی فراوانی را تولید نموده است. ضمنا در شهرها و استانهای مختلف از جمله قزوین، سیستان و بلوچستان و چاه بهار... نیز

جهاد دانشگاهی فعالیتهای گسترده ای داشته است و کارخانه ها و مراکز صنعتی دیگری را راه اندازی کرده و برای راه اندازی بقیه کارخانه

ها برنامه ریزی کرده است

وی در پایان اشاره کرد که جهاد دانشگاهی در رابطه با مسئله جنگ که مهمترین مسئله فعلی کشور است فعالیتهای خوبی داشته و جهت برآورد نیازهای تخصصی جبهه ها گامهای

موشری برداشته است و امیدواریم جهاد دانشگاهی بتواند با پیگیری و تلاش بیشتر

در ایجاد مختلف زمینه ساز دستیابی به فرهنگ اسلامی که از اساسی ترین اهداف انقلاب است

باشد. انشاء الله.

باشد. انشاء الله.

باشد. انشاء الله.

باشد. انشاء الله.